

## تحلیل‌ها و گزارش‌ها

# نزدیکی شمال و جنوب و چشم‌انداز مناسبات

## روسیه و کره شمالی<sup>۱</sup>

امتیازات موجود و پتانسیل‌های ممکن اقتصادی که در اقتصاد جهانی و منطقه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد تصویر روشنی داشته باشد. موضوع دیگری که برای روسیه باید مورد محاسبه واقع شود، واقعیت‌ها، روندها و همبستگی‌های متقابل و بعضاً درجانبه اقتصادی در منطقه آسیاپاسیفیک می‌باشد. برخلاف اروپا که در آن نوعی همگرایی اقتصادی برای سال‌های متمادی جریان یافته است در آسیا پاسیفیک هیچ‌گونه نهاد مشابهی در این رابطه وجود ندارد و هم‌گرایی‌های موجود در این منطقه در دو سطح قابل تعریف هستند که سطح اول آن آپک به استعداد ۲۱ عضو که در آن گروه‌های فرعی

برای درک مؤثرتر دیدگاه روسیه از کره شمالی، کشف و یادآوری الویت‌های دیپلماتیک روسیه در منطقه آسیا پاسیفیک از اهمیت خاصی برخوردار است.

### دیدگاه جدید روسیه در مورد آسیا

پس از روی کارآمدن پوتین در روسیه این کشور به توسعه سیاست خارجی عمل‌گرا و جامع پرداخته است. به عنوان یک جامعه واحد اورآسیایی، روسیه به تعقیب منافع ملی خویش با استفاده از موقعیت ژئواکونومیکی خود مبادرت نموده است. به هر حال روسیه باید از بابت توسعه همکاری‌های اقتصادی با اتحادیه اروپا از یک سو و از سوی دیگر از شمال شرق آسیا و آسیاپاسیفیک بهره برداری نماید. برای کسب موفقیت در این راستا، باید از فرصت‌ها و

1. Asian Perspective, The Institute for Far Eastern Studies, Kyongnam University, Seoul, Korea, Vol. Summer 2001, Issue.

اروپا و آسیا پاسیفیک و هم‌گرایی‌های سنتی و تقاضای موجود تنظیم نماید؛

- به لحاظ تاریخی، روسیه باید نقش طبیعی خویش را به عنوان سرریل اقتصادی و مالی، تمدنی و اطلاعاتی میان اروپا و شرق آسیا ایفا نماید.

این استراتژی از آنجا نشأت می‌گیرد که روسیه حتی در شرایط بحرانی خویش پیشنهادهای زیادی برای عرضه به اقتصادهای آسیای شرقی دارا بوده که از جمله آنها منابع نفت و گاز، ظرفیت‌هایی که برای حمل و نقل کالا میان کشورهای اروپائی و بازار این بخش از دنیا، با دست‌آورد‌های علمی که در اختیار داشته، منابع انسانی گسترده که در خارج از چین و هند و از کره شمالی گرفته تا سایر کشورها قادرند در توسعه اقتصادی آسیای شرقی روسیه سهم‌گرددند. برخلاف بی‌ثباتی قیمت جهانی نفت، روسیه توجه دارد که استقرار منابع نفتی استراتژیک در شمال شرقی آسیا از نقطه نظر استراتژیک برای آن کشور بسیار با اهمیت است. این منابع می‌تواند به اقتصاد شمال شرق آسیا با قیمت‌های ثابت و زمانی که قیمت‌های جهانی بالا و رو به صعود می‌گذارد عرضه شود و امنیت انرژی شمال شرقی آسیا را به دنبال داشته باشد.

دیگر وجود دارند که به عنوان ایده اجتماع آسیای شرقی<sup>۱</sup> مطرح شده و از سوی آسه‌آن و سه‌کشوری که در حال حاضر روابط مؤثرتری با آن یافته‌اند یعنی چین، کره جنوبی و ژاپن نیز مورد حمایت می‌باشد. سطح دوم این مناسبات روابط دوجانبه هرکدام از این کشورهای شرق آسیا با سایر کشورها مانند روابط میان کره با استرالیا و یا نیوزیلند و یا ژاپن و کره جنوبی و غیره می‌باشد. استراتژی جدید روسیه برای توسعه هماهنگ شده مناسبات با آسیا پاسیفیک در قرن بیست و یکم در سپتامبر ۲۰۰۰ و پس از اجتماع اقتصادی داووس بر سر زبان‌ها افتاده و در واقع بیشتر برای روسیه شرق دور طراحی شد؛ این استراتژی که بعدها از سوی پارلمان روسیه به تصویب رسید شامل اهداف زیر است:

- روسیه باید فعالانه در همکاری با منطقه آسیا پاسیفیک و در جهت ایجاد نظم در بهبود موقعیت اقتصادی در سیبری و شرق دور روسیه مشارکت نماید؛

- برای ایجاد امنیت ملی و منطقه‌ای روسیه باید روابط سیاسی نظامی خویش با مناطق در همسایگی خود را براساس اصول امنیت همکاری توسعه بخشد؛

- روسیه باید استراتژی اقتصادی خویش را به طور هم‌زمان با اقدامات زیربنایی اتحادیه

1. East Asia Forum

روبل (پول روسیه) در بازارهای منطقه و مبادله با ین ژاپن شده و ممکن است در آینده دورتر موجب تحولات در جهت ایجاد اتحادیه پولی آسیای شرقی گردد. به هر حال باید گفت که رهبری روسیه توجه ویژه‌ای به همگرایی اقتصادی با منطقه شمال شرقی آسیا و تحولات آنی آن و توسعه روابط با کشورهای این منطقه به عنوان بخشی از استراتژی توسعه خود دارد. واکنش‌های بسیار آرام مقامات روسیه در قبال مثلاً موضوع توقیف یک مقام این کشور در امریکا به جرم کلاه برداری، برقراری مجدد روابط میان ناتو و روسیه و کوشش‌های محتاطانه پیرامون الحاق احتمالی این کشور به ناتو، پیشنهاد روسیه در جهت ایجاد یک سیستم دفاعی موشکی اروپایی و ارسال برخی علائم مبنی بر آمادگی روسیه برای الحاق به سیستم دفاعی موشکی استراتژیک امریکا همگی دال بر دنبال نمودن چنین استراتژی هستند. به این ترتیب شاید بتوان گفت که دیپلماسی روسیه در آیسند عمل‌گرایانه‌تر و لذا فضای بسیار محدودتری برای پیشبرد مناسبات دو جانبه و براساس تفاهات با کره شمالی وجود خواهد داشت.

روسیه، ژاپن، کره جنوبی و چین می‌توانند در چنین صندوقی مشارکت نمایند.

### هم‌گرایی با شرق و غرب

برای ارتقای هم‌زمان همگرایی اقتصادی روسیه در بازارهای اروپایی و آسیا پاسیفیک روسیه نیاز به بازسازی و اصلاحات لازم در اقتصاد خود براساس درخواست‌های هرکدام از دو منطقه را دارد و استراتژی‌های اقتصادی این کشور با توجه به هم‌گرایی تقاضاها و شرایط دو منطقه مشخص می‌شود. مباحث مربوطه در حال حاضر در روسیه در جریان است. یک نظریه این است که روسیه برای هماهنگی بیشتر و ایجاد تسهیلات لازم در جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی با شمال شرقی آسیا و یا کشورهای آسیای شرقی، بخش شرقی خویش را تحت رژیم‌های مالی و گمرکات مربوطه، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی درآورد. در میان نظریات ارائه شده ایجاد دومین بانک مرکزی روسیه که اختصاص به شرق روسیه و بهبود سیستم مالی پولی این کشور دارد، ضروری است. ایجاد این بانک در این منطقه بسیار وسیع در توافق با رژیم‌های مالی مسلط منطقه شمال شرقی آسیا نیز به چشم می‌خورد چنین پیشنهادی موجب وارد شدن

## تغییرات داخلی در جامعه کره شمالی

## ۱. سیاسی

به طور خلاصه باید گفت که قدر مسلم جهت‌گیری تغییرات انجام شده در کره شمالی لزوماً به معنای گشایش و در پیش گرفتن اقتصاد بازار نبوده بلکه تجربه برخی از جمهوری‌های سابق شوروی نشان داده است که لزوماً اصلاحات انجام گرفته در این کشورها به دموکراسی بازار (از نوع آنچه که در غرب مرسوم می‌باشد) هدایت نشده است. در واقع در آسیای مرکزی می‌توان بسیاری از مثال‌ها را از جوامع سابقاً کمونیست که به اصطلاح به چیزی شبیه سیستم اقتصادی بازار هدایت شده‌اند را یافت ولی این سیستم تحت سیطره حاکمیت سیاسی موجود شکل گرفته است. به لحاظ عقیدتی کیم جونگ ایل در سال ۱۹۹۷ دیدگاه جدیدی را در چارچوب ایدئولوژی جوچه و آن هم به عنوان یک موضوع کاملاً ناسیونالیستی و نه مارکسیست لنینیستی مطرح کرد تا به این طریق سرنوشت این کشور به سایر کشورهای سوسیالیستی که اجرای اصلاحات اقتصادی اجتماعی در آنها اجتناب ناپذیر می‌نمود گره نخورد. کیم جونگ ایل به انجام اصلاحات از نوع آنچه که از سوی روسیه، چین و یا اروپای شرقی انجام گرفته دوری گزیده و با تأکید بر

ناسیونالیسم بر استراتژی خودکفایی اصرار می‌ورزد. در عین حال پیونگ یانگ این نکته را نیز اعلام نموده که کره‌ای‌های ساکن در نیمه شمالی شبه جزیره ترکیبی از یک ملت (ملت کیم ایل سونگ و مردان کیم ایل سونگ) هستند. اگرچه مقامات پیونگ یانگ می‌گویند که این واژه جدید در دیدگاه آنان نسبت به وحدت شبه جزیره تغییری ایجاد نمی‌کند ولی در واقع یک حق انتخابی را نیز برای آنان به وجود می‌آورد: به عبارت دیگر آنان می‌توانند با به کار گرفتن چنین واژه‌ای بگویند که کره‌ای‌ها نمی‌توانند به وحدت برسند.

همچنین با تغییراتی که در سیاست داخلی و بخش‌های قانون‌گذاری صورت گرفته، در حال حاضر اگر چه عنوان رهبر بزرگ برای کیم ایل سونگ محفوظ مانده و فردی جانشین وی نگردیده است ولی در واقع تمامی ابزارهای قدرت در اختیار کیم جونگ ایل به عنوان ریاست عالیه کمیته دفاع ملی قرار گرفته و با عنوان ریاست دولت کیم یونگ نام مدیریت روابط با خارج از کشور را نیز تحت کنترل دارد. کیم جونگ ایل بدین ترتیب تکیه اصلی خویش را بر نیروهای نظامی متمرکز نموده تا توسعه و ارتقای سیاست‌های خویش را نه از طریق سیستم بوروکراتیک حزبی حاکم بلکه از طریق

بسیار ناچیز چین نیز تنها مانع از فروپاشی این کشور شده است که در صورت قطع این کمک‌های ناچیز، در درجه اول موج وسیع غیرقابل‌کنترلی از مهاجران کره شمالی به مرزهای چین به راه خواهد افتاد. ولی چین نیز به مانند سابق امکان ارسال کمک‌ها را براساس سیستم‌های حزبی سابق خویش نداشته و رژیم شمال نیز انتخاب دیگری نداشته و لذا به اتباع خویش اجازه می‌دهد تا از طرق ممکن نسبت به تهیه غذا و کالای مورد نیاز اقدام نمایند و سیستم مالکیت و سرمایه‌داری خانوادگی<sup>۱</sup> از سوی خانواده، البته برای آنانی که می‌توانند نیز به این ترتیب درحال شکل گرفتن است. به خوبی روشن است که مراد از این سرمایه‌داری آن برداشتی نیست که در چین در پی انجام اصلاحات صورت گرفته بلکه اقداماتی موقتی و تنها در جهت تثبیت وضعیت اقتصادی خواهد بود و به سیستم سرمایه‌داری منجر نخواهد شد. مقامات حزبی نیز اجازه ندارند در مورد آن اظهار نظر نمایند و در حد زندگی روزمره به تشریح آن می‌پردازند. برای مثال از نمونه‌های بارز تشکیل چنین سرمایه‌ای داشتن یک رستوران، تجارت برخی محصولات کشاورزی و غیره است. به عبارت دیگر طبقه جدیدی در کره شمالی در

آنان دنبال نماید؛ به بیان دیگر بازسازی نیروهای مسلح و ساز و برگ آنان از اولویت لازم برخوردار است. صنایع کشور نیز از طریق تعبیه یک سیستم نظارت از مقامات نظامی در برنامه اقتصادی این کشور و تقویت نظم در این بخش‌ها، مورد کنترل و بهره‌برداری آنان قرار گرفته است.

## ۲. تغییرات اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی کیم چونگ ایل با سایر رژیم‌های دیکتاتوری تا حدودی متفاوت بوده و وی سعی نموده است برخی از سازوکارهای بازار مانند جذب سرمایه خارجی، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و یا سپرده نمودن بخشی از ذخایر ارزی در بانک‌های خارجی را به کار گیرد. با تغییرات قانونی صورت گرفته امکان مالکیت زمین اجازه داده شده و معمولاً به خارجیان گفته می‌شود که در صورت تمایل آنان نیمی از فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی مربوط به مناطق آزاد صادراتی انتقال داده می‌شود. در هر حال این سیاست‌ها و اعمال محدود آن موجب مرتفع شدن مشکلات اقتصادی این کشور نشده و در اثر قطع کمک‌های روسیه و مدیریت بسیار ضعیف امور اقتصادی حادث نشده است. تداوم کمک‌های

1. Family Capitalism

حال شکل‌گیری است که به کره‌ای‌های جدید نامیده می‌شوند؛ به مانند طبقه جدیدی از روس‌ها که در ابتدای دوره پلتنسین شکل گرفت. این تجار چند پیشه از طریق تجارت کمک‌های چندجانبه‌ای که به کره شمالی می‌شود، برخی از کالاها، قاچاق، ترانزیت برخی کالاها، نقل و انتقال کالا میان ژاپن، کره جنوبی و چین از طریق راه‌های دریایی و بالاخره صدور محصولات دریایی به پول بیشتر و منابع مالی افزون‌تر دست می‌یابند. پی‌آمد اجتماعی چنین موضوع به معنای شکاف طبقاتی میان ثروتمند و فقیر در حال هویدا شدن است. بسیاری از کره‌ای‌های شمالی که در حال حاضر وضعیت فلاکت باری دارند از دوره کیم ایل سونگ به عنوان یک عصر طلایی در تاریخ این کشور نام می‌برند.

سرمایه‌داری خانوادگی اساس قانونی ندارد و این خود به پی‌آمدهایی مانند رشوه خواری، رشد مافیایی واسطه‌ها و غیره میان چنین تاجرانی از سوی و سیستم بوروکراتیک دولتی و حزبی و نظامی را به دنبال دارد. این شیوه تجارت که تنها به آنانی که از حمایت دولت، حزب و یا نیروهای مسلح حمایت می‌شوند و در مناطقی مانند پیونگ یانگ، چون جین و منطقه صادراتی راجین سان بونگ

جریان دارد. افراد مذکور ترجیح می‌دهند که به جای مأموران شرکت‌های دولتی با طرف‌های خارجی معامله نمایند. از زمان دیدار کیم جونگ ایل از شانگ‌های در اوایل سال ۲۰۰۱ اعلامی مبنی بر آمادگی بیشتر این کشور برای انجام برخی اصلاحات مشاهده گردید. اگر چه هنوز کسی از خمیرمایه این اصلاحات اطلاع نداشته و صرفاً ممکن است برخی از رهبران و مقامات ارشد کره شمالی از بندهای اصلی چنین اصلاحاتی مطلع باشند ولی چند نکته اساسی برای شخص کیم جونگ ایل روشن است که اولاً اهمیت احیای اقتصادی به معنای جذب سرمایه خارجی به ویژه از طریق کره جنوبی، آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپاست. ثانیاً این که برای جذب سرمایه‌گذاران، کره شمالی باید روابط دیپلماتیک با ایالات متحده را داشته باشد. ثالثاً این که برای توسعه کشور روابط با آمریکا به تشدید گفتگوهای میان دو کره نیازمند است. آخرین تحولات در کره شمالی چیزی شبیه برخی تغییرات در چین است ضمن آن که البته انتخاب‌های این روند هنوز به درستی روشن نیست و این برنامه توسعه و یا بهبود وضعیت تقریباً بیشتر شبیه به روش‌های استالینیستی است. با شروع جنگ جهانی دوم استالین کمیته دفاع ملی را تعیین کرد که در

نظر در سیاست خویش در این رابطه را که در زمان یلتسین طراحی شده بود آغاز نمود. به این ترتیب سیاست توسعه روابط با هر دو کره را به موازات یکدیگر پیش برد و تا آنجایی که امکان داشته به توسعه روابط بپردازد که موجب برقراری روابطی اقتصادی با کره جنوبی و امضای چند سند و توافقنامه و قرارداد سیاسی نیز گردید. در عین حال این کشور هدف خویش مبنی بر افزایش نقش خود در جهت آشتی میان دو کره با تکیه بر نفوذی که بر کره شمالی داشته را تعقیب نموده است. دو دلیل برای تجدید نظر پیرامون سیاست این کشور وجود دارد که یکی پائین بودن سطح مناسبات اقتصادی با ستول و عدم رضایت مسکو از این حجم و سطح روابط است، و به این نتیجه رسیده که ارزش قربانی نمودن تماس‌های ویژه با شمال را ندارد، به علاوه این که در عین حال روسیه از گفتگوها با کره شمالی چه در قالب گفتگوهای موشکی با امریکا و یا گفتگوهای چهارجانبه امریکا و چین و دو کره جدا ننگه داشته شده است. دیگر این که روسیه در بازسازی روابط با شمال (روسیه) وجود فضای جدیدی را برای ایفای نقش خویش در شبه جزیره یافته است.

در واقع پوتین تلاش نموده است که میان دو گونه تفکر ارائه شده از سوی دو دسته از

فراسوی تمامی ارگان‌ها و ساختارهای سیاسی موجود آن زمان براتحاد جماهیر شوروی حاکم بود و وی شخصاً ریاست این کمیته را برای هدایت جنگ برعهده داشت. در حالی که میخائیل گالینین فاقد اراده ریاست مجمع پارلمانی را داشت، مانند سمت کیم یونگ نام سان در کره شمالی امروز. به این ترتیب کیم جونگ ایل امیدوار به دست آوردن منافع اقتصادی به مانند آنچه که رهبران چین نیز پس از سال ۱۹۷۸ انجام دادند و همچنین اجتناب از نوعی شکست سیاسی که نصیب رهبران شوروی در سال ۱۹۹۱ گردید می‌باشد. نیت واقعی مرد شماره یک کره شمالی حفظ وضعیت فعلی تا حد امکان موجود به جای انجام اصلاحات که مورد توجه مردم عادی این کشور است می‌باشد.

### سیاست روسیه در قبال کره شمالی

روسیه در جهت افزایش نقش سیاسی خویش در شبه جزیره از طریق بازی با کارت کره شمالی موقعیت‌های جدید در منطقه و شبه جزیره را مورد بررسی قرار داده و به تجدید نظرهای لازم در سیاست خویش پیرامون شبه جزیره رسییده است. پس از دوره وزارت پریماکف و در واقع قبل از ایوانف، روسیه تجدید

نخبگان یک نوع توازن ایجاد نماید. گروه طرفدار غرب و این که توسعه روابط با کره شمالی با داشتن یک رژیم ارتدوکسی و توتالیتر روند دموکراتیزه شدن روسیه نزد غربی‌ها رازیر سؤال می‌برد. تفکر دیگر که ضد غربی است خواهان تقویت مناسبات با کشورهای است که از سوی امریکا به گروه قرمز (از جمله کره شمالی) مشهور می‌باشند. پرده‌های سیاست جدید روسیه در واقع در قالب دو تحول عمده یعنی تجدید پیمان مودت و همکاری میان روسیه و کره شمالی در فوریه سال ۲۰۰۰ و جایگزین نمودن قرارداد سال ۱۹۶۱ بین دو کشور و سفر پوتین به این کشور در ژوئیه به نمایش درآمد.

قرارداد جدید در واقع به نفع دو کشور بود چرا که هم تعهدات روسیه در قبال پیونگ یانگ را به خاطر حذف ماده مربوط به کمک‌های نظامی روسیه به کره شمالی در صورت وقوع جنگ موجب شده بود و هم به هرحال این پرستیژ را برای پیونگ یانگ به همراه داشت که به امریکا و کره جنوبی اعلام نماید که همچنان از حمایت روسیه در مجموع برخوردار است و این فرصت‌های جدیدی را برای مانورهای سیاسی بیشتر پیونگ یانگ ایجاد می‌نمود. در عین حال امضای قرارداد به نوعی موجب ثبات سیاسی شمال شرقی آسیا نیز شد

و لذا از سوی کشورهای منطقه مورد استقبال قرار گرفت.

دیدار پوتین از کره شمالی بیشتر بحث برانگیز بود چرا که ابتدا قرار بود سفر پوتین به هر دو کره در چارچوب یک برنامه تنظیم و اجرا شود ولی بعد تصمیم گرفته شد که سفر به پیونگ یانگ به همراه پکن صورت گرفته و دیدار از شول به بعد موکول شود. در واقع دیدار از پکن و پیونگ یانگ در کنار حضور پوتین در اجلاس کشورهای صنعتی در اکیانای ژاپن و در جهت تقویت موضع این کشور در گفتگو با رهبران سایر کشورهای عضو معنا یافته و از سفر به چین برای گفتگوهای خویش با ایالات متحده درخصوص طرح دفاع ضد موشکی "NMD" و مواضع دو کشور در این رابطه استفاده نمود. پوتین همچنین از سفر به کره شمالی در آن مقطع بهره‌های سیاسی و روان‌شناختی نیز جستجو نمود تا به این ترتیب نقصان‌های موجود این کشور در قبال اعضای گروه هفت را پوشانده و حتی‌المقدور در موضعی برابر قرار گیرد. به هرحال پس از دیدار سران دو کره، اگرچه می‌رفت که اصل انجام دیدار با کیم جونگ ایل عادی‌تر شده باشد ولی برای سران گروه هفت خود نکات جالبی را می‌توانست در برداشته باشد و پوتین به عنوان تنها فرد در میان آن جمع



اصلی شمال بهبود و برقراری روابط با ایالات متحده بوده است. دیپلمات‌های عالی‌رتبه این کشور بارها در گفتگوهای خویش گفته‌اند که ما برای عادی‌سازی روابط با امریکا هراقدامی را انجام خواهیم داد. کره شمالی همچنین دو هدف را پیش از اجلاس سران دو کشور با روسیه تعقیب می‌نمود: یکی این که تماس‌های بین‌المللی خویش را برای رهبر روسیه به نمایش گذارد و دیگر این که به لحاظ روان‌شناختی به احساس مثبت‌تر کیم جونگ ایل در زمان ملاقات با خارجیان کمک نماید.

### فرموله نمودن روابط روسیه و شمال

#### ۱. مقاصد کره شمالی

کره شمالی آمادگی تغییرات ریشه‌ای اقتصادی و یا سیستم سیاسی خویش را نیافته ولی به خوبی واقف شده که برای تعامل با جامعه بین‌المللی باید این تغییرات را آغاز نماید و یا حداقل به دنیا نشان دهد که چنین تغییراتی را انجام خواهد داد. بنابراین سرعت تغییرات در جهت برقراری اقتصاد بازار مشخص می‌نماید که چگونه و در چه زمانی کره شمالی قادر خواهد بود که به توسعه همکاری مناسبات خویش با جهان خارج از جمله روسیه و کره جنوبی بپردازد. روند آشتی در شبه جزیره نیز نمی‌تواند

مطرح بود.

کره شمالی نیز پس از فروپاشی شوروی سابق، قطع کمک‌ها و کاهش کمک‌های چین و از سوی دیگر برقراری روابط روسیه و چین با کره جنوبی دو تاکتیک اساسی یعنی یکی روی آوردن به تولید سلاح‌های هسته‌ای و دیگری شروع نمودن باب مذاکره با ایالات متحده را به خدمت گرفت تا به این ترتیب امنیت رژیم کیم جونگ ایل را تثبیت نماید. با توجه به این که امریکا در قبال پرداخت غرامتی در قبال توقف تولید سلاح‌های کشتار جمعی و یا صادرات موشکی مقاومت نموده پیونگ یانگ برای پیش‌گیری از سقوط این رژیم که برای ابتدای قرن جدید پیش‌بینی شده بود تلاش برای مورد شناسایی واقع شدن از سوی جامعه بین‌المللی را آغاز نمود. در عین حال گفتگوهای با امریکا و جنوب را نیز فعال نموده تا با عادی‌سازی روابط خویش با آنان زمینه دریافت کمک‌های بیشتری از جامعه بین‌المللی را برای خود فراهم و از حملات احتمالی امریکا و جنوب نیز جلوگیری نموده باشد. کره شمالی به هرحال عضو ترتیبات امنیتی آسه‌آن "ARF" گردیده و دیپلماسی خویش در اروپا و آسیا را نیز فعال نموده و میزبان اجلاس سران دو کره نیز گردید.

ولی در کنار همه این تحولات تلاش

فارغ از سرعت دوره انتقالی شمال باشد.

هدف اصلی کره شمالی برقراری روابط با ایالات متحده است چرا که این موضوع ضمانت‌های لازم را برای امنیت رژیم کیم جونگ ایل به دنبال خواهد داشت و پیش شرط اساسی برای دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی برای مشارکت در اقتصاد این کشور است.

کره شمالی واهمه دارد که دولت بوش سیاست نامطمئن و خشنی را نسبت به دوره کلینتون اعمال نماید. بنابراین پیونگ یانگ تلاش می‌نماید که با بهبود روابط با اتحادیه اروپا از ظرفیت‌های آن در جهت بهبود و عادی‌سازی روابط با امریکا بهره بجوید.

کره شمالی روسیه را به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه شبه جزیره قلمداد ننموده و لذا سعی دارد که با کارت این کشور در بازی‌های دیپلماتیک خویش علیه امریکا و کره جنوبی استفاده نماید. همین‌طور کیم جونگ ایل بازدید از روسیه را اولاً می‌خواهد قبل از دیدار از ستول داشته و از ظرفیت‌ها و نتایج مربوط به آن در سفر به ستول استفاده نماید و هم به ممارست‌های دیپلماتیک لازم در برخورد با رهبران بزرگ دست یابد، چرا که کمتر تردیدی در دیدار وی از ایالات متحده در آینده‌ای نزدیک نباید داشت.

همان‌طور که یکی از دیپلمات‌های ارشد این کشور در کنفرانسی در لندن اعلام نموده این کشور قصد ندارد در مباحث مربوط به همکاری‌های چند جانبه در شمال شرقی آسیا وارد شود. همچنین علاقه‌ای به برقراری روابط رسمی با جنوب و تحت فرمول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان شمال و جنوب، به منظور وحدت ملی تدریجی ندارد. کره شمالی صرفاً به دنبال "متغیری از نوعی مناسبات ویژه" با جنوب است. در مجموع این عدم اطمینان در وضعیت حقوقی بین‌المللی از روابط میان دو کره، زمانی که از کره شمالی برای همکاری در حل و فصل مسائل منطقه درخواست مشارکت می‌شود خود مشکلات اضافی را دامن می‌زند.

۴. آنچه که روسیه می‌تواند انجام دهد و یا باید انجام دهد

برخلاف چند بند فوق‌الذکر چشم‌انداز روشنی برای همکاری‌های اقتصادی به معنای بازار رو به توسعه روسیه و اقتصاد بسته کره شمالی وجود ندارد. بدون پیشبرد اصلاحات در کره شمالی و بدون بهبود ریشه‌ای در وضعیت اقتصادی روسیه، ایجاد یک نقطه عطف در روابط میان دو کشور بسیار مشکل است. امروزه دوست بودن برای کره شمالی به معنای

موشکی "NMD" را برای متوقف شدن آن از جانب امریکا با واشنگتن مورد معامله قرار دهد.

### نتیجه پایانی

با توجه به تمامی مطالب فوق‌الذکر منافع روسیه ایجاب می‌نماید که درخصوص موضوعات شبه جزیره کار موثرتری را با کشورهای کره جنوبی، امریکا و ژاپن آغاز نماید تا شاید بتواند به اجلاس سه جانبه آنان نیز به نحوی ملحق شود. مسلماً تبیین صحیح دیدگاه روسیه درخصوص برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های موشکی کره شمالی در چنین صورتی به عنوان مقدمه ضروری خواهد بود. تعهدات کره شمالی در همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه باید براساس انجام اصلاحات در شمال باشد. منافع روسیه و مشکلات جاری در روابط اقتصادی فی‌مابین آنان نیز به اصلاحات اقتصادی در کره شمالی گره خورده است که در دیدار سران دو کشور نیز مطرح شده بود. روسیه به همراه سایر کشورهای شمال شرقی آسیا باید همکاری‌های مالی، اقتصادی منطقه‌ای را با هدف ایجاد نوعی از هماهنگی‌ها در سیاست‌های مالی و پولی به وجود آورند. تاسیس بانک توسعه شمال شرقی آسیا می‌تواند به عنوان یکی از عناصر اصلی و موثر در چنین

برخوررداری از آمادگی لازم برای توسعه اقتصادی این کشور می‌باشد.

برای روسیه ایفای نقش دیپلماتیک در شبه جزیره و به معنای تلاش در جهت ایجاد توازن روابط خویش با ستول و پیونگ یانگ بسیار مشکل است. اهمیت اقتصادی کره جنوبی برای روسیه و فقدان اعتماد متقابل در روابط کره شمالی و روسیه برتداوم ناامیدی روسیه از انجام مسانوره‌های مورد نظر در شبه جزیره تأثیر می‌گذارد. روشن نیست که قصد وزارت خارجه روسیه از بهبود نقش روسیه در تحولات شبه جزیره چه می‌باشد ولی آنچه مسلم است این که در دوره قیل از جنگ سرد و پیش از شناسایی جنوب از سوی روسیه اهمیت اقتصادی شمال شرقی آسیا بسیار مهم‌تر از بازی‌های دیپلماتیک فعلی و جاری در این منطقه بوده است.

در مورد موضوع سیستم دفاع موشکی "NMD"، کره شمالی می‌تواند به عنوان شریکی قابل اتکا برای روسیه مطرح باشد. مشکل برای کره شمالی این است که این طرح با توجه به ظرفیت‌های نظامی شمال جهت حمله به جنوب هیچ تهدید عملی را علیه کره شمالی نخواهد داشت و در نهایت به لحاظ سیاسی پیونگ یانگ به سادگی می‌تواند موضوع سیستم دفاع

بازسازی اقتصاد خویش نیز دربرخواهد داشت. به هر حال دیپلماسی پوتین عملاً این امیدواری را به وجود آورده است که سیاست روسیه پیرامون شمال دیریا زود به افزایش منافع اقتصاد روسیه در منطقه شمال در مقایسه با دوره‌های قبل کمک خواهد نمود.

ترجمه: محمدباقر ابوالفضل بیگی  
سفارت جمهوری اسلامی ایران - سنول

برنامه‌ای قلمداد گردد و زمانی کره شمالی اجازه خواهد یافت که به چنین سیستم هم‌گرایی ملحق شود که برای چنین اقداماتی آماده شده باشد.

بهترین سناریو برای روابط روسیه و کره شمالی اولاً تأسیس جامعه اقتصادی شمال شرقی آسیا، ثانیاً ایجاد فشار بر کره شمالی برای انجام اصلاحات و ثالثاً دعوت از شمال برای الحاق به آن در صورت آمادگی لازم می‌باشد. چنین سیاستی تأمین منافع روسیه را در جهت

